فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۳، زمستان ۱۴۰۱، صفحات۶۲-۳۷

مقاله پژوهشی

برساخت اجتماعی آسیب‌پذیری زنان در بلایای طبیعی
(مورد مطالعه سیل فروردین‌ماه سال ۹۸ محلهٔ سعدی شیراز)[۱]

نگار نسیم افزا[۲]؛ اسفندیار غفاری نسب[۳]؛ علی‌یار احمدی[۴]؛ علی گلی[۵]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

چکیده

زنان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر در بحران‌ها و بلایای طبیعی به شمار می‌آیند، مطالعه حاضر باهدف درک و فهم پیامدهای اجتماعی وقوع سیل در محله فقیرنشین سعدی شهر شیراز از نگاه زنان مشارکت‌کننده و درگیر در آن انجام‌شده است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام‌شده است و داده‌ها با تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری‌شده‌اند و از روش کیفی تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها استفاده‌شده است. مضمون‌های اصلی که پس از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها به دست آمد شامل: هشیاری و نگرانی بیشترِ زنان در مقابل هشدارها، محدودیت و مشکلات زنان در تخلیه منازل قبل از سیل، ابتلای بیشتر زنان به سوءتغذیه و انواع بیماری‌ها پس از سیل، کاهش توان اقتصادی، مواجهه با انواع خشونت، انتظارات فراتر از توانِ زنان از سوی خانواده و جامعه، تداوم همهٔ ابعاد بحران سیل برای زنان فقیر و تداوم آسیب‌های روانی ناشی از سیل در درازمدت برای همه زنان بوده است.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌پذیری؛ بلایای طبیعی؛ جنسیت؛ ناپایداری معیشتی.

---

[۱] مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری با عنوان برساخت اجتماعی فاجعهٔ طبیعی در شهر شیراز (مورد مطالعه: وقوع سیل در محلهٔ سعدی شیراز در سال ۹۸) است.

[۲] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکدهٔ اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز (نویسندهٔ مسؤول). Negar.nasimafza@gmail.com

[۳] دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکدهٔ اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز. ghafarina@gmail.com

[۴] دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکدهٔ اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز. ahmadialiyar@gmail.com

[۵] دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکدهٔ اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز. goli@shirazu.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه و طرح مساله

بشر، امروزه در یک دنیای پرخطر زندگی می‌کند و جوامع انسانی در سراسر جهان نیازمند هستند که برای مقابله با این خطرات هر چه بیشتر بیاموزند و در جستجوی روش‌هایی برای کاهش احتمال تبدیل این خطرات به فاجعه باشند. در ادراک عمومی مردم تغییرات آب و هوایی به‌عنوان عامل اصلی تأثیرات و پیامدهایی که مخاطرات طبیعی بر جای می‌گذارند، شناخته‌شده است. درحالی‌که این دیدگاه در جامعه علمی بسیار مورد تردید قرار گرفته است و تأثیرات و پیامدهای مخاطرات طبیعی ناشی از تعامل پیچیدۀ عوامل بوم‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سازمانی و سیاسی دانسته می‌شود که در مجموع، الگویی از مواجهه و حساسیت ایجاد می‌کند که یک جامعه را در معرض خطر آسیب‌پذیری قرار می‌دهد (تیرنی و اسمیت[۶]، ۲۰۱۲). درک این تعاملات پیچیده و همپوشانی‌ها، نیاز به یک چارچوب قوی دارد که اهمیت مخاطرات طبیعی را به‌عنوان رویدادهای «عامل» تشخیص می‌دهد، اما تأکید اصلی آن بر شیوه‌های مختلفی است که در آن نظام‌های اجتماعی، افراد را آسیب‌پذیر می‌کنند (اسلام و لیم[۷]، ۲۰۱۵).

به‌طورکلی می‌توان گفت که آسیب‌پذیری در برابر بلایای طبیعی یک پویایی اجتماعی است که در جنسیت، طبقه، نژاد، فرهنگ، ملیت، سن و دیگر روابط قدرت ریشه دارد، به‌طور خاص دربارۀ زنان می‌توان گفت که در مواجهه با بلایای طبیعی موقعیت زنان بسیار شکننده و آسیب‌پذیر و مورد چالش است، زیرا این عوامل جنسیتی در جامعه هستند که آن‌ها را در چنین وضع آسیب‌پذیری قرار می‌دهد (بن‌فورد و فراود[۸]،۲۰۱۵).

محققان حوزۀ جنسیت و بلایای طبیعی زن بودن را در کنار عوامل دیگری ذکر می‌کنند به‌طور مثال طبقۀ اجتماعی و سن و در اکثر پژوهش‌ها آسیب‌پذیری به‌عنوان فصل مشترک این عوامل ذکر شده است. این عوامل در هر بافت اجتماعی به شکلی متفاوت ظاهر می‌شوند که به‌آسانی با رویکردهای عمومی موجود قابل پیش‌بینی نخواهد بود ازاین‌رو لازم است در هر زمینۀ اجتماعی خاص پژوهش‌هایی انجام شود که باعث درک بهتر این پیچیدگی گردد چراکه رویکردهای کلی موجود تفاوت در آسیب‌پذیری و قابلیت‌های محلی را در نظر نمی‌گیرند و این می‌تواند منجر به ارائۀ راهکارهای نامناسب جهت بهبود جامعه و پیامدهای مخرب آن برای جمعیت‌های تحت تأثیر گردد.

---

[۶] Tierney, K. & Oliver, S.

[۷] Islam, Md.S. & Lim, S.H.

[۸] Banford, A. Froude, C. K

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پژوهش حاضر به شکل ویژه به آسیب‌های زنان از سیل، در محلهٔ سعدی شیراز می‌پردازد چراکه تأثیرگذاری مخاطرات طبیعی بر گروه‌های انسانی با توجه به وضعیت اجتماعی و آسیب‌پذیری آن‌ها متفاوت است و محلهٔ سعدی نیز (به‌ویژه برخی نقاط آن) در زمره محله‌های نسبتاً فقیرنشین شهر شیراز محسوب می‌شود، ازاین‌رو در سیل رخ‌داده شده میزان آسیب‌پذیری آن‌هم به لحاظ خسارت‌های مادی و هم تخریب خانه‌های مسکونی و زیرساخت‌ها قابل‌توجه بوده است.

در این میان، زنان محلهٔ سعدی شیراز نیز در معرض ابتلا به آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی مضاعفی قرارگرفته‌اند و افزایش آسیب‌های اجتماعی در میان زنان یکی از پیامدهای مهم سیل محلهٔ سعدی شیراز بوده است. یکی از چالش‌های مهم برای جوامع پس از بحران، فراهم کردن شرایطی است که آسیب‌پذیری اجتماعی تشدید نشود و آسیب‌های گذشته نیز از میان برداشته شوند و فرصتی برای بهبود جامعه فراهم شود. بنابراین پژوهش حاضر در پی درک و فهم پدیده‌ها و مسائل از منظر زنان محلهٔ سعدی شیراز است که در معرض سیل و آسیب‌های آن قرارگرفته‌اند، در راستای این هدف ضمن مصاحبهٔ مفصل با زنان مشارکت‌کننده تلاش می‌شود که ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این سیل از نگاه این زنان مورد کنکاش و واکاوی قرار گیرد تا بدین‌سان درکی نسبتاً جامع از دلایل بروز و شرایط اجتماعی آسیب‌پذیری زنان در سیل سعدی و پیامدهای آن به دست آید.

پرسش پژوهش حاضر، این است که از منظر زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش آسیب‌های فیزیکی و اجتماعی سیل در این زمینهٔ اجتماعی خاص چه بوده است و در این راستا سؤالات پژوهش بدین صورت مطرح شده‌اند.

- زنان محلهٔ سعدی شیراز چگونه خطر سیل را درک کرده‌اند و حساسیت آن‌ها نسبت به هشدارها چگونه بوده است؟
- زنان محلهٔ سعدی درزمینهٔ آمادگی برای مواجهه با سیل چگونه عمل کرده‌اند؟
- مواجههٔ زنان محله سعدی شیراز با سیل چگونه بوده است؟
- پس از وقوع سیل و در مراحل بهبود و بازسازی، عملکرد زنان چگونه بوده و هست؟
- آسیب‌های وارده چه تأثیری بر وضعیت جسمی، روانی و اقتصادی زنان داشته است؟

راهبردهای مقابله با مخاطرات طبیعی عموماً به‌اشتباه حوادث را به‌صورت فیزیکی و طبیعی درک می‌کنند که به‌وسیلهٔ «نیروهای خشن طبیعت» ایجاد شده‌اند و عملکرد اجتماعی عادی را

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مختل کرده‌اند. در این نوع ادراک، بازگشت به روال عادی امور از طریق محاسبات منطقی و برنامه‌ریزی علمی خواهد بود که عمدتاً مبتنی بر فن‌های کاهش خطر ساختاری از قبیل دیواره‌ها و سیل‌بندها است. این راهبردها محدودکننده هستند، چراکه اهمیت عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را دست‌کم می‌گیرند (ویزنر و همکاران[۹]، ۲۰۰۳: ۵۱).

در ایران نیز ما به‌صورت مستمر، شاهد تکرار الگوی اجتماعی تأثیرگذاری مخرب فاجعه در گروه‌های اجتماعی و انسانی در مناطقی چون رودبار، بم، زرند، اهر، ورزقان و سرپل ذهاب بوده‌ایم که این موضوع نشان از نبود توجه مدیریت بحران به رویکرد علوم اجتماعی و مدیریت اجتماع‌محور در بحران‌های طبیعی دارد (کمال‌الدینی،۱۳۹۹:۱۶). با توجه به اینکه اکثر رویکردهای مقابله با مخاطرات طبیعی از این موضوع غافل هستند که جامعه، چگونه شرایطی را ایجاد می‌کند که موجب می‌شود افراد با آسیب بیشتری مواجه شوند، ازاین‌رو نیاز به بررسی و ارزیابی قابلیت‌های کاهش آسیب‌پذیری و سازگاری با مخاطرات طبیعی ازجمله موارد با اهمیتی است که لازم است در پژوهش‌های اجتماعی مدنظر قرار گیرد.

پیشینهٔ پژوهش

در سال‌های ابتدایی مطالعات اجتماعی فاجعه، جنسیت یکی از معدود پدیده‌هایی بود که توجه محققان فاجعه را جلب می‌کرد (کورانتلی[۱۰]، ۱۹۹٤ به نقل از کمال‌الدینی ۱۳۹۹:۱٤٦) پیشرفت اولیهٔ پژوهشی فاجعه و جنسیت با کار پژوهشگرانی چون انارسون[۱۱] و مارو[۱۲] فوترگیل[۱۳] در سال ۱۹۹۷ اتفاق افتاد آن‌ها معتقد بودند که تبیین ضمنی تئوری فاجعه در زندگی انسان‌ها حاصل دیدگاه‌های جزئی است که باید از طریق تحلیل جنسیتی متمرکز بر زن گسترده شود (کمال‌الدینی، ۱۳۹۹: ۱٤۸). کم‌کم از سال ۱۹۸۰ مبحث جنسیت در جامعه‌شناسی فاجعه به شکل جدی‌تری مطرح گردید اما همچنان تعداد تحقیقات انجام‌شده در این زمینه قابل‌توجه نبوده و نیاز به تحقیقات بیشتر در مورد زنان و فاجعه، بسیار زیاد است. در ادامه به پژوهش‌هایی که سال‌های اخیر در این زمینه انجام‌شده اشاره می‌شود.

[۹] Wisner,B. Blaikie, P.& Cannon, T. &Davis.I

[۱۰] Quarantelli

[۱۱] Enarson, E

[۱۲] Morrow

[۱۳] Fothergill

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

دوب و ممبوه[۱۴] (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «افزایش ملاحظات جنسیتی برای زنان در واکنش به سیل از طریق تخصیص و توزیع منابع در زیمبابوه» اثرات ناگوار فاجعه سیل را بر مردان و زنان پسران و دختران و اموال و دارایی‌هایشان در جوامع آفریقایی مورد بررسی قرار داده‌اند، نتایج این پژوهش نشان داده است که هرچند که هنگام وقوع فاجعه هیچ مرز جنسیتی وجود ندارد اما میزان آسیب‌پذیری زنان بیشتر از مردان است این پژوهش میزان و چگونگی تأثیرگذاری یک بلای طبیعی مانند سیل را ناشی از عوامل فرهنگی می‌داند.

آستین و مک‌کینی[۱۵] (۲۰۱۶)، پژوهشی با عنوان «ویرانی فاجعه در ملل فقیر: اثرات مستقیم و غیرمستقیم برابری جنسیتی، خسارات زیست‌محیطی و توسعه» انجام داده‌اند. هدف اصلی این پژوهش ارزیابی کمی عوامل ایجادکننده آسیب‌پذیری در مقابل فجایع در میان جوامع کمتر توسعه‌یافته است و پژوهش با تأکید ویژه‌ای بر برابری‌های جنسیتی انجام‌شده است یافته‌های این پژوهش حاکی از اثرات سودمند بهبود وضعیت زنان مشروط بر عوامل بوم‌شناختی و توسعه‌ای- در محدود کردن آسیب‌پذیری انسانی از فاجعه است.

ساییتو[۱۶] (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «زنان و وقوع فاجعه در شرق ژاپن در ۲۰۱۱» به بررسی وضعیت زنان و مسائل جنسیتی می‌پردازد که پس از زمین‌لرزه و سونامی در شرق ژاپن در سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاد. این مقاله به واکاوی این موضوع می‌پردازد که دولت و جامعه چگونه به این مسائل واکنش نشان دادند و نتایج پژوهش، مسئله جنسیت را امر جدیدی نمی‌داند اما معتقد است که یک الگوی تکراری در زمینهٔ مسئلهٔ جنسیت در بلایای طبیعی در ژاپن وجود دارد و آن ناتوانی دولت در ادغام رویکرد جنسیتی در برنامه‌ریزی و واکنش‌های اضطراری به بلایای طبیعی است و این امر را نشانگر تداوم نابرابری جنسیتی در ژاپن می‌بینند.

در ایران نیز حادثهٔ بم، نقطه عطفی در نگاه علمی و کارشناسی، خاصه اجتماعی و روانی به موضوع فاجعه در ایران بوده است و مطالعات متعددی با توجه به متغیرهای اجتماعی مانند مشارکت مردمی، جنسیت و رفتارهای جمعی انجام‌شده است و نتایج پژوهش‌ها بیشتر در قالب مقالات علمی و پژوهشی به چاپ رسیده است (کمال‌الدینی، ۱۳۹۹: ۱۳) در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره خواهیم کرد.

حبیب‌پورگتابی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی: یک برساختهٔ اجتماعی» به بررسی کم و کیف آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی پرداخته است. این

[۱۴] Dube, E. Mhembwe, S.

[۱۵] Austin, K.F. McKinney,L.A

[۱۶] Fumie Saito, F

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پژوهش با استفاده از تحقیق کمی و روش پیمایش از میان زنان ۱۵ تا ٦٥ سالهٔ دو شهر گرگان و کرمان انجام‌شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حوزه‌های مهم آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی عبارت بودند از: فقدان امنیت، فقدان اشتغال، فقدان یا ضعف آموزش در زمینهٔ سوانح طبیعی و مشکلات فرهنگی یا انگاره‌های تفکر سنتی مردان در خصوص زنان و باور نداشتن به مشارکت زنان در سوانح.

سلطانی نژاد و برشان (۱۳۹٦) در پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب‌پذیری زنان در حوادث طبیعی» به بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی زنان در حوادث طبیعی پرداخته‌اند. این مطالعه از نوع کیفی-کمی بوده و نمونهٔ پژوهش از میان زنانی که زلزلهٔ زرقان و اهر را تجربه کرده‌اند، انتخاب‌شده است. مطابق با نتایج این پژوهش، آسیب‌های زنان شامل مواردی چون از دست دادن امنیت اجتماعی، افسردگی اضطراب و بی‌اعتمادی نسبت به اجتماع و انزوای اجتماعی و بیگانگی اجتماعی شناسایی شده است.

کمال‌الدینی و ازکیا (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «مطالعهٔ پدیدهٔ ازدواج اجباری زنان در فجایع طبیعی» به مطالعهٔ پدیدهٔ ازدواج اجباری در زنان بازمانده از زلزله ۱۳۸۲ بم پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، شرایط علّی ناشی از تأثیرات مستقیم زلزله ازجمله مرگ پدر خانواده یا والدین و همین‌طور شرایط مداخله‌گر وضعیت اقتصادی خانواده بر تجربهٔ پدیدهٔ ازدواج اجباری در گروه زنان مجرد و بیوه تأثیر دارد و زنانی که در راهبردهای برخورد با این پدیده، منفعلانه رفتار کرده‌اند مجبور به پذیرش ازدواج اجباری و پیامدهای آن همچون کاهش کیفیت زندگی زناشویی، خشونت خانگی، خیانت زناشویی و احساس خشم شده‌اند.

جهانگیری و صدیقی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل علل آسیب‌پذیری سلامت زنان در بلایا و ارائهٔ راهبردهایی برای کاهش آن» به تحلیل علل آسیب‌پذیری زنان در بلایا پرداخته‌اند. این مطالعهٔ کیفی با روش بحث گروهی متمرکز با صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران علمی اجرایی مدیریت بحران کشور انجام شده است که راهبردهایی برای کاهش آسیب‌پذیری ارائه داده‌اند. یافته‌های پژوهش به مسائل و مشکلاتی همچون حضور کمرنگ زنان، به‌خصوص در سازمان‌های دولتی مسؤول، عدم وجود ارزیابی مدون در خصوص نیازهای زنان، وجود خلأهای قانونی و عدم تخصیص اعتبار به امور مربوط به بانوان در مدیریت بحران، اشاره داشته است.

استوار ایزد خواه (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «زنان و بلایای طبیعی: آسیب‌پذیر در سوانح یا توانمند در مدیریت بحران» آسیب‌پذیری زنان در سوانح یا توانمندی آنان در مدیریت بحران را مورد واکاوی قرار داده است. در این پژوهش به‌طور خاص به مقولهٔ زنان و آسیب‌پذیری و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

قابلیت‌های ویژهٔ آنان در رویارویی با سوانح پرداخته شده است و پیشنهادهایی برای توانمندسازی این قشر از جامعه در رابطه با کاهش خطرپذیری از سوی آنان به‌صورت مختصر ارائه‌شده است.

اکثر این پژوهش‌ها نشان می‌دهد، زنان همواره در برابر آسیب‌های ناشی از فاجعه‌های طبیعی، رنج بیشتری را متحمل می‌شوند و تفاوت‌های زنان و مردان در هنگام بروز فاجعه را ناشی از برساخت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌دانند، اما موضوعی بسیار با اهمیت که غالباً از آن غفلت می‌شود این است که پیچیدگی آسیب‌پذیری بر اساس عامل‌های فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی، نهادی و سیاسی در هر جامعه متفاوت بوده و به همان نسبت، نیاز به واکنش‌ها و ابتکارات مناسب در سطح محلی نیز متفاوت خواهد بود. بنابراین در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا به‌طور خاص، توصیفی از شرایط زنان در محلهٔ سعدی شیراز و نحوهٔ مواجههٔ آنان با پدیدهٔ سیل ارائه گردد.

چارچوب مفهومی

در تعریف مخاطرات طبیعی، می‌توان گفت عبارت از یک رویداد عمدتاً ناگوار ناشی از فرایند طبیعی زمین است که شامل مواردی مانند سیل‌ها، انفجارهای آتش‌فشانی، زمین‌لرزه، سونامی و دیگر فرایندهای زمین‌شناختی است. هنگامی‌که یک منطقه، دستخوش مخاطرهٔ طبیعی می‌شود، به همراه خود پیامدهای اجتماعی و اقتصادی را به بار می‌آورد که باعث از هم گسیختن شیرازهٔ زندگی مردم می‌شود. این پیامدها، مواردی مانند مرگ و از دست رفتن زندگی‌ها، خسارت‌های مالی، تهدید سلامت عمومی، فقر و تبعیض اجتماعی را در برمی‌گیرد و میزان و شدت این پیامدها بستگی به‌شدت مخاطره، میزان آسیب‌پذیری منطقه و میزان تاب‌آوری مردم و توانایی آن‌ها در بازسازی شرایط آسیب‌دیده دارد (بلیکی[۱۷]، ۱۹۹٤).

از دیدگاه جامعه‌شناختی، چیزی که رویداد را تبدیل به یک فاجعه می‌کند، تخریب فیزیکی یک محیط ساخته‌شده و یا آسیب به یک محیط طبیعی نیست، بلکه فجایع توسط تجربیات مردم و واکنش‌ها به یک رویداد تعریف می‌شوند یعنی، فجایع ازنظر اجتماعی تعریف می‌شوند و اثرات فیزیکی آن‌ها را نمی‌توان جدای از بافت اجتماعی آن‌ها درک کرد (دوآن[۱۸]، ۲۰۰۷). افراد و جوامع، ممکن است دستخوش مخاطرات طبیعی یکسان شوند، اما میزان آسیب‌پذیری آن‌ها متفاوت باشد، این تفاوت می‌تواند ناشی از توانایی آن‌ها در جهت بازسازی شرایط و تاب‌آوری در برابر مخاطره باشد (ایزکویردو، ۲۰۱۵: ۳).

[۱۷] Blaikie

[۱۸] Duane, A. Gill

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به‌طور مثال در ادبیات اجتماعی فاجعه، جنسیت به‌عنوان یک تعیین‌کنندهٔ اجتماعی مهم در میزان آسیب‌پذیری افراد و جوامع شناخته شده است و این نظر به‌گونه‌ای روزافزون پذیرفته شده است که اتخاذ رویکرد جنسیتی در پاسخ و واکنش‌های انسانی نسبت به فاجعه‌ها برای جمعیت‌های آسیب‌پذیری مانند زنان و دختران لازم است.

جنسیت و فاجعه، یکی از حوزه‌های مهمی است که جامعه شناسان فاجعه به آن پرداخته‌اند. بدیهی است که فاجعه‌های طبیعی به‌طور یکسان، فعالیت‌های عادی زنان و مردان را در معرض تهدید قرار می‌دهند، اما شواهد نشان می‌دهد که به‌طور خاص دربارهٔ زنان، ابعاد موقعیتی و محلی این آسیب به مواردی همچون ناتوانایی‌های فیزیکی و مشکلات مربوط به سلامتی، اندازه و ترکیب خانوار، سواد عملکردی، وضعیت شهروندی و تجربه‌های سیاسی زنان نیز بستگی دارد (فوردهام[۱۹]، ۲۰۰٤).

محققان جنسیت و فاجعه نیز به‌صراحت در مورد نظریه‌های فمینیستی صحبت می‌کنند. انارسون[۲۰] و فیلیپس[۲۱] استدلال می‌کنند که جامعه‌شناسی فاجعه و تئوری‌های فمینیستی به‌خوبی با یکدیگر کار می‌کنند و باید رابطهٔ نزدیکتری را با استفاده از مفاهیم مشابه ایجاد کنند (مثلاً، قدرت اجتماعی، امتیاز، تسلط، توانمندسازی، اقتصاد سیاسی و تغییر اجتماعی) (پری، ۲۰۰۷: ۱۳۱).

در جوامعی که ساختار اقتصادی-اجتماعی ناعادلانه‌تری دارند، زنان در وضعیت فروتری قرار دارند، همین سبب می‌شود که در فجایع، میزان آسیب‌پذیری زنان بیشتر بوده و از امتیازات کمتری برخوردار باشند که همین امر بر میزان دریافت کمک‌ها و خدمات در جریان رویدادهای ناگوار و فجایع تأثیر منفی می‌گذارد و بالطبع فرایند بازسازی[۲۲] پس از فاجعه هم در بین زنان با سرعت و اطمینان کمتری صورت گیرد (ایزکویردو، ۲۰۱۵: ۱).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که با توجه به علائم روانی و فیزیکی ناشی از یک فاجعه، زنان بیشتر از مردان تحت تأثیر قرار می‌گیرند (سیپون[۲۳] و همکاران ۲۰۱٤؛ سردا[۲٤] و همکاران ۲۰۱۳؛ هارویل[۲۵] و همکاران ۲۰۱۱). همچنین میزان مرگ‌ومیر زنان در اثر فاجعه‌های طبیعی بیشتر است

[۱۹] Fordham, M

[۲۰] Enarson

[۲۱] Phillips

[۲۲] Recovery

[۲۳] Sipon

[۲٤] Cerda

[۲۵] Harville

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

و این مرگ‌ومیر بیشتر زنان نه به دلایل بیولوژیکی، بلکه بیشتر ناشی از هنجارهای جنسیتی است که روی‌هم‌رفته مانع از دسترسی زنان به کمک‌ها، غذا و اطلاعات می‌شود (ایزکویردو، ۲۰۱۵:۸). تحقیقات جامعه‌شناختی بسیاری وجود دارد که به شناسایی مسائل مربوط به جنسیت در بلایای طبیعی پرداخته‌اند.

در بیشتر تحقیقات ذکرشده استدلال شده است که زنان به دلیل فرودستی وضعیت خود نسبت به مردان، قربانیان اصلی بلایا هستند، از این‌رو توجه خاصی برای این گروه لازم است و نیاز به برنامه‌های حمایتی برای این گروه . این برنامه‌ها در صورتی مؤثرتر خواهند بود که توسط یک دیدگاه علمی حمایت شوند. این پژوهش از این ایده حمایت می‌کند که یک دیدگاه جامعه‌شناختی به‌منظور برنامه‌ریزی برای زنان در بلایا لازم است و موقعیت نامساعد و فقر زنان را در نظر می‌گیرد و به آن توجه ویژه دارد.

روش پژوهش

این پژوهش به روش کیفی مبتنی بر رویکرد تحلیل مضمون[۲۶] انجام‌شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک[۲۷]، ۲۰۰۶).

مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (بویاتیز[۲۸]، ۱۹۹۸: ٤) به‌طورکلی مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (کینگ و هوروکس[۲۹]، ۲۰۱۰:۵۰).

جمعیت مورد مطالعهٔ پژوهش حاضر را زنان آسیب‌دیده از سیل شیراز در فروردین سال ۹۸ تشکیل داده‌اند. مشارکت‌کنندگان پژوهش از بین زنان ساکن در محلهٔ سعدی شیراز در زمان وقوع سیل، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند[۳۰] و به شیوهٔ در دسترس انتخاب‌شده‌اند. ملاک‌های ورود به مطالعه بر اساس میزان تخریب محل سکونت از تخریب کامل منزل، نشست زمین، ریزش و خرابی سقف، ترک و تخریب دیوارها و آب‌گرفتگی منزل، در نظر گرفته‌شده است.

---

[۲۶] Thematic Analysis

[۲۷] Braun, V. & Clarke, V.

[۲۸] Boyatzis, R. E

[۲۹] King, N. & Horrocks

[۳۰] Purposive sampling

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

فرایند جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته توسط پژوهشگر با هماهنگی قبلی با مشارکت‌کننده در محل سکونت زنان صورت گرفت. مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع داده ادامه یافته است. پس از ۱۱ مصاحبه، داده‌های تکراری آشکار گردید و برای اطمینان بیشتر، دو مصاحبه دیگر انجام گرفت. درنهایت ۱۳ مشارکت‌کننده، نمونهٔ پژوهش را شکل دادند. مدت‌زمان مصاحبه‌ها از ٤٠ تا ۷۵ دقیقه بوده است. داده‌ها در طول یک دورهٔ ۵ ماهه از مهر تا بهمن (۱۳۹۸) جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری شده است.[۳۱] پس از اطمینان از اشباع مصاحبه‌ها و انجام دو مصاحبه دیگر برای اطمینان، جهت کدگذاری و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰٦) استفاده شد. ابتدا در مرحلهٔ آشنایی، مصاحبه‌های ضبط‌شده بر روی کاغذ پیاده‌سازی شده و چندین بار خوانده شد، جملاتی که دارای بار مفهومی بودند برچسب‌گذاری و کدگذاری شدند، سپس کدهای مشابه در یک دستهٔ کلی‌تر طبقه‌بندی شدند تا تم‌ها یا مضامین تولید شوند، سپس دوباره مرور مضامین انجام شد و کدها مجدد با آن مضمونی که به آن تعلق داشتند، چک شدند، سپس مضامین نام‌گذاری شدند و در مرحله پایانی گزارش تحلیلی در قالب جداولی متشکل از مضامین اصلی و فرعی تنظیم شد که چارچوب اصلی آسیب‌پذیری زنان در سیل سعدی شیراز به‌عنوان یک برساختهٔ اجتماع را نشان می‌دهد.

برای صحت اعتبار داده‌های پژوهش، از روش چک کردن با مشارکت‌کنندگان استفاده شد. بدین‌صورت که پس از تحلیل هر مصاحبه و تحلیل مضمون‌ها، مجدداً به مشارکت‌کننده مراجعه شد و درباره صحت‌وسقم مضامین سؤال شد و اگر تغییری لازم دیده شد، اعمال گردید. به‌علاوه، به‌منظور تضمین قابلیت تصدیق، پژوهشگر تلاش کرده است تا حد امکان پیش‌فرض‌های خود را در جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. همچنین برای حصول قابلیت اطمینان پژوهش از مشورت با افراد متخصص در حوزهٔ روش و پژوهش استفاده شد و به‌منظور افزایش قابلیت انتقال به موقعیت‌های دیگر تلاش شده است که مشارکت‌کنندگان از طبقات اجتماعی مختلف و در رده سنی متفاوت (۲۵-۷۰ سال) برای شرکت در پژوهش استفاده شوند.

[۳۱] در تابستان ۱٤۰۰ مجدداً به مشارکت‌کنندگان پژوهش مراجعه شده است و از وضعیت بازسازی و بهبود آن‌ها سؤال شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شمارهٔ یک- مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش و مدت‌زمان مصاحبه با آنان

شمارهٔ مصاحبه	نام	سن	شغل	محل سکونت	میزان تخریب	مدت‌زمان مصاحبه[۳۲] (دقیقه)
۱	طاهره	۴۰	دستیار دندان‌پزشک	سعدی، ۷ وفایی	تخریب کامل	۷۴+۲۱
۲	پروین	۲۸	آرایشگر	سعدی، ۱۹ وفایی	آب‌گرفتگی	۸۹+۲۶
۳	ناهید	۵۵	خانه‌دار	سعدی، هشت متری باغ نارنجی	آب‌گرفتگی	۱۷۳
۴	اعظم	۳۲	خانه‌دار	سعدی، ۷ وفایی	آب‌گرفتگی	۲۶+۶۵
۵	آفتاب	۴۰	خانه‌دار	سعدی، ۱۷ وفایی	آب‌گرفتگی و تخریب دیوار	۳۵+۸۱
۶	نجیمه	۴۳	خیاط	سعدی، ۱۹ وفایی	آب‌گرفتگی	۱۵+۴۵
۷	فاطمه	۵۶	خانه‌دار	سعدی بر آفتاب	آب‌گرفتگی	۲۰
۸	بی‌بی فهندژ	۸۳	خانه‌دار	سعدی نیستان	آب‌گرفتگی	۱۸
۹	مریم	۵۲	خانه‌دار	سعدی ۷۸ نارنجستان	آب‌گرفتگی	۳۶
۱۰	شوکت	۷۰	خانه‌دار	سعدی بر آفتاب	آب‌گرفتگی	۱۳
۱۱	مرضیه	۴۸	خانه‌دار	سعدی پرآفتاب	آب‌گرفتگی	۲۷
۱۲	مهین	۳۷	خانه‌دار	سعدی آبخان شرقی	آب‌گرفتگی و ریزش دیوار	۴۲
۱۳	سمیه	۴۰	کارگر خدماتی در منازل	سعدی ۷ وفایی	ریزش دیوار	۲۰

[۳۲] با برخی از مشارکت‌کنندگان در دو نوبت با فاصلهٔ زمانی تقریباً دو سال مصاحبه انجام شده است. مصاحبهٔ شمارهٔ یک تابستان ۱۳۹۸ و مصاحبهٔ شمارهٔ دو، دو سال بعد در تابستان ۱۴۰۰ انجام‌شده است. این کار با هدف اطلاع از وضعیت بهبود و بازسازی پس از سیل انجام‌شده است. ضمن اینکه تا پایان انجام تحقیق، معمولاً پس از وقوع هر بارندگی تماس‌هایی کوتاه با برخی مشارکت‌کنندگان گرفته می‌شد و از وضعیت آنان اطلاع کسب می‌شد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یافته‌های پژوهش

الگوی آسیب‌پذیری زنان در سیل سعدی شیراز، دارای هشت مضمون اصلی و ۵۱ مضمون فرعی است که برای بسط و توسعهٔ مضمون‌ها، تعدادی از مفاهیم شامل ۱۸۳ مفهوم، آن‌ها را پشتیبانی می‌کنند. جداول زیر مضمون‌های اصلی و فرعی الگوی آسیب‌پذیری زنان در سیل سعدی شیراز به‌عنوان یک برساختهٔ اجتماع را نشان می‌دهد.

هشیاری و نگرانی بیشترِ زنان در مقابل هشدارها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در طی روزهای قبل از سیل فروردین ۹۸ و پس از آن نیز در بارندگی‌های شدیدی که احتمال وقوع سیل وجود داشته است، زنان بیش از مردان به هشدارها پاسخ داده‌اند.

زنان محلهٔ سعدی اظهار کرده‌اند که همیشه در تلاش بوده‌اند تا با استفاده از برخی ابزارهای الکترونیکی، رادیو و تلویزیون و تلفن همراه، اخبار به‌روز شده دربارهٔ احتمال وقوع سیل در آینده را به دست آورند.

علاوه بر این، بیشتر زنان بیان کرده‌اند که همسرانشان به هشدارهای رسمی و غیررسمی کمتر اعتماد داشته‌اند و آنان بیش از همسرانشان جدیت و هوشیاری و نگرانی برای وقوع سیل در آینده دارند.

جدول شمارهٔ دو- مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان در ارتباط با هشدارها

مضامین فرعی	مضمون اصلی
تلاش زنان برای دسترسی به اخبار به‌روز درباره وقوع سیل	هشیاری و نگرانی بیشتر زنان در مقابل هشدارها
اعتماد بیشتر زنان به خبرهای رسمی و غیررسمی نسبت به مردان	
حساسیت و پاسخ بیشتر زنان به هشدارها نسبت به مردان	
پرسش زنان از سالمندان محلی درباره سیل‌های گذشته	
دریافت اطلاعات از شبکه‌های محلی زنان	
به اشتراک‌گذاری اطلاعات با همسایگان توسط زنان	

یکی از پاسخگویان زن دراین‌باره گفته است: «*همون سالی که سیل اومد من شب تا ساعت یک و نیم همین‌طور پای تلویزیون نشستم، فقط می‌گفتن دروازه قرآن سیل اومده و ۱۹ نفر تلفات داده و هیچ خطری نیست، ولی از گوشی‌ها خبرمی اومد که قراره سعدی سیل بیاد، رسانه ملی چیزی بهمون نگفت. شوهرم می‌گفت تا حالا چند بارشده که ما الکی ترسیدیم ولی سیل نیومده*»

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به‌علاوه به گفتهٔ زنان، پس از وقوع سیل نیز همواره با سالمندان محلی در ارتباط بوده‌اند و از آن‌ها درباره سیل‌های گذشته سؤال کرده‌اند و اطلاعات و تجربیات شخصی خود را با همسایه‌ها به اشتراک گذاشته‌اند.

یکی از پاسخگویان زن گفته است: «*محلی‌های قدیمی میگن ۲۰ سال پیش هم سعدی همچین سیلی اومد میگن این بار دوم و یا سوم هست...*»

برخی از زنان کم‌درآمد نیز گفته‌اند که دسترسی به اینترنت و تلفن همراه نداشته‌اند و بیشتر اطلاعات خود را از شبکه‌های زنان محلی دریافت کرده‌اند.

محدودیت‌ها و مشکلات زنان در تخلیهٔ منازل قبل از سیل

پیش از وقوع سیل، بسیاری از زنانی که هشدارها را جدی گرفته بودند تلاش کرده‌اند تا اعضای خانواده، اموال و کالاهای خود را نجات دهند.

زنان گفته‌اند که همهٔ تلاش خود را کرده‌اند که در فرایند تخلیه، تا جایی که ممکن است خوب عمل کنند و به خاطر نقش مادری و نگرانی درباره فرزندان، تمایل بیشتری برای تخلیه داشته‌اند اما در برخی موارد تصمیم‌گیرنده نبوده‌اند و نتوانسته‌اند خواستهٔ خود را اجرایی کنند. حتی در برخی موارد تصمیم‌گیری درباره تخلیه، منجر به درگیری و نزاع میان زنان و همسرانشان شده است.

جدول شمارهٔ سه- مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان در ارتباط با تخلیهٔ منازل

مضامین فرعی	مضمون اصلی
تلاش قابل‌توجه زنان برای نجات اعضای خانواده، اموال و کالاهای خود	محدودیت‌ها و مشکلات زنان در تخلیهٔ منازل قبل از سیل
تمایل بیشتر زنان برای تخلیه به دلیل نقش مادری و نگرانی درباره فرزندان	
درگیری و نزاع بین زنان و همسرانشان هنگام تصمیم‌گیری برای تخلیه	
عدم وجود اختیار برای زنان در خصوص تصمیم‌گیری دربارهٔ تخلیه در برخی موارد	
ابراز ناتوانی زنان در پرداخت کرایهٔ خودرو برای تخلیه	
مورد سرزنش قرار گرفتن زنان به خاطر فراموشی یا ارتکاب اشتباهات کوچک در زمان تخلیه	

در بیشتر موارد علت عدم تمایل مردان به تخلیه، عدم دسترسی به خودرو شخصی ذکرشده است. برخی از زنان نیز گفته‌اند که توان پرداخت کرایهٔ خودرو برای تخلیه را نداشته‌اند. همچنین زنان محلهٔ سعدی گفته‌اند که پس از وقوع سیلهٔ به خاطر اشتباهات ساده در زمان تخلیه و یا فراموشی‌های کوچک از سوی همسران و گاهی فرزندانشان مورد سرزنش و انتقاد جدی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

قرارگرفته‌اند. یکی از زنان مصاحبه‌شونده دراین‌باره گفته است «سند خونه توی سیل از بین رفت، شوهرم گفت چرا سند رو برنداشتی...»

انتظارات فراتر از توانِ زنان از سوی خانواده و جامعه

نقش زنان در مدیریت، تأمین نیازها و حفظ شأن خانواده در طول سیل سعدی شیراز قابل‌توجه بوده است، بنا به گفته بسیاری از زنان در زمان وقوع سیل، مردان خانواده همیشه سعی کرده‌اند از برخی از کارها ازجمله درخواست حمایت و کمک و غذا دوری کنند.

در اکثر موارد مصاحبه به‌جز در مواردی که هنجارهای فرهنگی تماس‌های زنان خارج از خانه را محدود کرده‌اند، تأمین کمک‌های امدادی و درخواست برای ملزومات فوری زندگی تا حد زیادی به زنان کاهش‌یافته است. احساس بد و شرمساری برای دریافت کمک عمومی پس از سیل هم برای زنان و هم برای مردان وجود داشته است؛ اما درنهایت این زنان بوده‌اند که در صف ایستاده‌اند، مذاکره کرده‌اند و به دنبال کمک برای اعضای خانواده بوده‌اند.

جدول شمارهٔ چهار- مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان در ارتباط با نقش زنان در مدیریت خانواده

مضامین فرعی	مضمون اصلی
دوری گزینی مردان از درخواست حمایت، کمک و غذا	انتظارات فراتر از توانِ زنان از سوی خانواده و جامعه
تأمین کمک‌های امدادی و درخواست برای ملزومات فوری زندگی از سوی زنان در اکثر موارد	
حضور بیشتر زنان در صف‌های کمک و مذاکره باوجود احساس بد و شرمساری	
انتظار از زنان برای انجام وظایف خانگی و مراقبتی در سراسر چرخه فاجعه	
در اولویت قرار دادن نیازهای جسمی و روانی همسر و فرزندان خود از سوی زنان	
دشواری انجام فعالیت‌های خانگی برای زنان به دلیل از دست رفتن امکانات قبلی	
سخت و پیچیده شدن وظایف مادری پس از سیل	
ناتوانی مالی زنان در خرید خدمات غذای آماده و مراقبت از کودک و سالمند پس از سیل	

یکی از مشارکت‌کنندگان زن در این‌باره گفته است: *«شوهرم نمی‌رفت بسته معیشتی بگیره، می‌گفت من روم نمیشه، من بهش می‌گفتم چطور روت نمیشه زندگیم رو آب رفته من مریض بودم ولی چون اون نمی‌رفت من می‌رفتم، همسایه‌ها می‌رفتند پتو می‌گرفتند، ولی این نمی‌رفت».*

پس از سیل، زنان طیف وسیعی از فعالیت‌ها را برای برآورده کردن نیازهای اولیه خانواده خود انجام داده‌اند و تلاش کرده‌اند خود را با شرایط جدید وفق دهند و در بیشتر موارد نیازهای جسمی و روانی همسر و فرزندان خود را در اولویت قرار داده‌اند. در برخی از خانواده‌ها که سالمند و یا همسر و یا فرزند بیمار و یا کم‌توان جسمی و ذهنی وجود داشته است، این وظیفه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مراقبتی دوچندان شده است. به‌علاوه زنان ابراز کرده‌اند که پس از سیل انجام فعالیت‌های خانگی معمولی برای آن‌ها به‌مراتب سخت‌تر شده بود، چراکه بسیاری از امکانات و تجهیزات در سیل ازدست رفته بود.

یک پاسخگوی زن دراین‌باره گفته است: «*سرگذشتی که من کشیدم هیچ‌کدام از سیل‌زده‌ها نکشیدند تا شهریور اون سالی که سیل اومد هنوز بنا تو خونه بود، یه گوشه ماسه بود یه گوشه آجر بود، یه گوشه خودمون بودیم تو کوچه ظرف می‌شستم، تو کوچه برنج آب می‌کشیدم، به‌عنوان یه زن که یه بچه مریض هم رو دستم بود، خیلی سختی کشیدم، حتی فکرش هم دیگه اذیتم می کنه*».

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مسئولیت‌های مراقبتی گسترده در سراسر چرخه فاجعه‌بار کاری، عاطفی و مادی زنان را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده است، چراکه پس از تحمل سیل و مشکلات مربوط به آن، جامعه و خانواده از آن‌ها انتظار داشته‌اند که فعالیت‌های خانگی خود را بر اساس سنت اجتماعی و نیز مسئولیت‌های خود از سر گیرند.

کاهش توان اقتصادی زنان پس از سیل

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بیشتر زنان محلهٔ سعدی شیراز، پیش از سیل، به‌منظور حفظ ثبات اقتصادی و کمک به خانواده، به فعالیت‌های اقتصادی کوچک مشغول بوده‌اند که اکثر این فعالیت‌ها خانگی بوده است. بنابراین در زمان وقوع سیل، زنان متکی به امرارمعاش از طریق مشاغل خانگی هم از ناحیه درآمد و هم از ناحیه تخریب محیط طبیعی اطراف، متضرر شده‌اند، چراکه پس از سیل، هم خانه و هم شغل خود را ازدست‌داده‌اند.

جدول شمارهٔ پنج- مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان در ارتباط با شرایط اقتصادی

مضامین فرعی	مضمون اصلی
اشتغال زنان به فعالیت‌های اقتصادی کوچک و معمولاً خانگی قبل از وقوع سیل	کاهش توان اقتصادی زنان پس از سیل
متضرر شدن زنان متکی به امرارمعاش از طریق مشاغل خانگی از ناحیهٔ خانه و شغل	
محروم بودن اکثریت زنان محلهٔ سعدی از شغلی با درآمد کافی قبل از سیل	
محروم بودن زنان از پس‌انداز شخصی، هنگام وقوع سیل	
مجبور بودن زنان به انجام کارهای فیزیکی و سخت با درآمد پایین پس از سیل	
آسیب فیزیکی و بیماری دیده‌شده در اکثریت زنان به دلیل انجام فعالیت‌های اقتصادی سخت	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یکی از مشارکت‌کنندگان زن که در منزل به کار خیاطی مشغول بوده است، دراین‌باره گفته است: «*من صفر شدم، تمام وسایلم ریختم دور، فرش، موکت، رختخواب و پارچه‌های مردم خراب شد. خیلی‌هاشون اومدن پول پارچه رو گرفتند، اون‌هایی که پول پارچه رو نگرفتند، من عوضش براشون خیاطی کردم و دستمزد نگرفتم.*»

بیشتر زنان ابراز کرده‌اند که پیش از سیل، پس‌انداز شخصی نداشته‌اند و محروم از شغلی بوده‌اند که درآمدزایی خوبی برایشان داشته باشد. بعد از سیل نیز به‌منظور حمایت از خانواده و کمک به رفع مشکلات اقتصادی پیش‌آمده، مجبور به انجام کارهای خدماتی و سخت شده‌اند که درآمد بسیار پایینی داشته است و در برخی موارد انجام همین کارهای سخت منجر به ایجاد آسیب فیزیکی و بیماری جسمی زنان شده است.

تداوم بحران برای زنان فقیر

همان‌گونه که ذکر گردید، بلایای طبیعی بر همهٔ افراد جامعه، اثر یکسانی نخواهد داشت. هنگامی‌که یک بلای طبیعی اتفاق می‌افتد، روشن است کسانی که در فقر زندگی می‌کنند، در مقایسه با دیگر اعضای جامعه، در معرض آسیب بیشتری خواهند بود. در سیل محلهٔ سعدی شیراز، کسانی که محل سکونت‌شان در معرض طغیان رودخانه بود، اغلب زندگی‌شان به لحاظ اقتصادی، ناامن‌تر بوده و انتخاب‌های کمتری برای محل سکونت خود داشتند و در زمان وقوع سیل نیز، محدودیت عملی بیشتر و پس از سیل نیز منابع بازیابی کمتری داشته‌اند. این مسئله در مورد زنان متعلق به این خانواده‌ها بیشتر صدق می‌کند، چراکه در اغلب موارد، خودسرپرست خانوار هستند و یا در کنار همسر بیمار و یا با قدرت اقتصادی بسیار کم زندگی می‌کنند. جنسیت و فقر در کنار یکدیگر، آن‌ها را ناچار به زندگی در خانه‌هایی کرده است که در معرض آسیب زیست‌محیطی بیشتری قرار دارند. بسیاری از این زنان، ابراز کرده‌اند که هشدارهای مربوط به سیل را دریافت کرده‌اند، اما قادر به هیچ اقدام مؤثری نبوده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در اغلب موارد، پول کافی برای جابجایی و تأمین هزینهٔ حمل‌ونقل نداشته‌اند. برخی هم گفته‌اند که مقصد تخلیه نداشته‌اند و حتی در میان بستگان و دوستان هم، کسی پذیرای آن‌ها نبوده است.

جدول شمارهٔ شش- مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان با وضعیت اقتصادی بد

مضامین فرعی	مضمون
جنسیت و فقر، دو عامل اجبار زنان برای زندگی در خانه‌های در معرض خطر زیست‌محیطی	تداوم بحران برای زنان فقیر
تعلق خانه‌های در معرض طغیان رودخانه، به زنان سرپرست خانوار و بد سرپرست در اکثریت موارد	
اظهار زنان فقیر، در ناتوانی اقتصادی برای انجام تخلیه، با وجود دریافت هشدارهای مربوط به سیل	
عدم وجود مقصد تخلیهٔ مناسب، برای زنان فقیر حتی در میان دوستان و اقوام	
مشکلات بیشتر زنان فقیر، نسبت به مردان در بازسازی خانه‌های خود	
رنج بیشتر زنان فقیر، در مقابل اثرات عاطفی از دست دادن خانه و متعلقات آن	
متعلق بودن خانه‌های به‌طور کامل تخریب‌شده به زنان سرپرست خانوار و بد سرپرست در اکثریت موارد	
اظهار زنان سرپرست خانوار مبنی بر عدم دریافت مساعدت لازم برای تعمیر خانه‌های خود پس از دو سال	
اظهار زنان سرپرست خانوار مبنی بر تحمل فشار اقتصادی و روانی زیاد برای تعمیر و بازسازی خانه‌های	

مصاحبه‌هایی که دو سال پس از سیل انجام شد نشان می‌دهد که هنوز نیاز این زنان به مسکن برطرف نشده است و برای بازسازی خانه‌های خود، نسبت به مردان و زنان با وضعیت اقتصادی بهتر، با مشکلات بیشتری مواجه بوده‌اند.

یکی از پاسخگویان زن که سرپرست خانوار است و خانهٔ او دچار تخریب کامل شده است دراین‌باره گفته است: «*آدم وقتی خونه مال خودش باشه خیلی فرق می‌کنه، درسته من قبلِ سیل وضع مالیم خوب نبود ولی خونه داشتم، اجاره نمی‌دادم، مثل الان دنبال وام و قسط نبودم، الان که خونه ندارم انگار هیچ چی دیگه نیست*».

به گفتهٔ این زنان، حتی پس از گذشت دو سال از سیل، هنوز در بحران زندگی می‌کنند. ازجمله مواردی که زنان کم‌درآمد محلهٔ سعدی، پس از دو سال به آن اشاره کرده‌اند، عدم امنیت غذایی، احساس ضعف و بیماری و مسکن نامناسب بوده است.

یکی از پاسخگویان دراین‌باره گفته است: «*من بد سرپرست هستم و خرج سه تا بچه را می‌دهم. به خاطر سیل، خیلی بدبختی و نداری کشیدیم، خودم هم مریض شدم و تو سن ۳۷ سالگی سرطان گرفتم والان هم در حال شیمی‌درمانی و پرتودرمانی هستم و دارو می‌خورم به خاطر استرسی که به خاطر سیل داشتم، همه زندگیم رفته بود*»

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مصاحبه‌های انجام‌شده پس از دو سال، نشان می‌دهد که زنان با وضعیت اقتصادی بهتر، نسبت به ضررهای اقتصادی که متحمل شده‌اند، انعطاف‌پذیرتر بوده‌اند و تا حدی برخی از این آسیب‌ها برایشان جبران شده است، اما زنان فقیرتر، هنوز از اثرات عاطفی از دست دادن خانه و متعلقات آن در رنج هستند و تأثیرات این رنج بر سطح اضطراب آن‌ها و سلامتی آن‌ها، به‌وضوح مشهود است. همه این عوامل در کنار یکدیگر، این زنان را دچار آسیب بیشتر کرده است و گاهی آن‌ها را به فروپاشی خانواده نزدیک کرده است.

ابتلای بیشتر زنان به سوءتغذیه و انواع بیماری‌ها پس از سیل

پس از بلایای طبیعی، عموماً دختران و زنان به دلیل نیازهای بهداشتی، به‌شدت آسیب‌پذیر می‌شوند و نیازهای فوری به لباس و سایر وسایل بهداشتی و امدادی دارند. به‌علاوه مادران برای مراقبت از فرزندان خود نیاز به حمایت پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی دارند. اکثریت زنان محلهٔ سعدی، ابراز کرده‌اند که در طی فرایند تخلیه و جابجایی و مواجهه با سیل و اسکان مجدد، مراقبت بهداشتی و حمایت پزشکی لازم را دریافت نکرده‌اند. پس از سیل، برخی زنان به دلیل تماس با آب آلوده با بیماری‌های بهداشتی درگیر شده‌اند. یکی از مشکلاتی که اکثر زنان آن را بیان کرده‌اند، کاهش کمیت و کیفیت آب در محلهٔ سعدی پس از سیل بوده است.

جدول شمارهٔ هفت- مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان در ارتباط با وضعیت بهداشت و تغذیه

مضامین فرعی	مضمون اصلی
اظهار زنان مبنی بر عدم دریافت حمایت پزشکی و مراقبت بهداشتی لازم پس از سیل	ابتلای بیشتر زنان به سوءتغذیه و انواع بیماری‌ها پس از سیل
درگیر شدن تعداد زیادی از زنان مصاحبه‌شونده با بیماری‌های پوستی ناشی از تماس با آب آلوده	
درگیر شدن تعدادی از زنان مصاحبه‌شونده با بیماری‌های زنان ناشی از تماس با آب آلوده	
اظهار زنان مبنی بر مواجهه با مشکلات زیاد در پخت‌وپز و تهیهٔ غذا پس از قطع حمایت‌ها	
اشاره تعداد زیادی از زنان به احساس ضعف، بیماری جسمی و سوءتغذیه پس از سیل	

یکی از پاسخگویان دراین‌باره گفته است: «*دخترم بعد از سیل کیست آورده، خودم عفونت‌های شدید گرفته‌ام، علتش آب آلوده بوده، آب شهری با گاز و فاضلاب و گازوئیل مخلوط شده بود، دولت آب‌معدنی به‌اندازه مصرف خوراکی می‌داد، ولی برای شستشو از آب شهری استفاده می کردیم.*»

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به‌علاوه، بیشتر زنان مصاحبه‌شونده، به تغذیه نامناسب بعد از قطع حمایت‌های کوتاه‌مدت نهادهای دولتی و مردمی اشاره داشته‌اند. یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که پس از سیل، کیفیت تغذیهٔ زنان محلهٔ سعدی شیراز، نسبت به قبل از سیل، بسیار کاهش‌یافته است و زنان، به‌عنوان ارائه‌دهندگان مراقبت‌های خانگی، به دلایل شرایط نامساعد زندگی و مشکلات اقتصادی در تهیهٔ غذا و پخت‌وپز، با مشکلات زیادی روبرو شده‌اند؛ بیماری‌های مختلف جسمی و عدم امنیت غذایی، از جمله مواردی بوده است که زنان زیادی به آن اشاره‌کرده‌اند.

آسیب روانی و انزوای اجتماعی زنان پس از سیل

زنان برای مبارزه با بلایای طبیعی از قدرت نسبی کمتری برخوردارند و در برخی موارد، مصاحبه‌کنندگان اظهار داشته‌اند که آسیب‌های روحی و جسمی تا مدت‌ها پس از سیل برایشان ادامه داشته است. مصاحبه‌های اخیر نشان می‌دهد که پس از گذشت دو سال، همچنان نگرانی زنان برای وقوع مجدد سیل، بیش از مردان ابراز شده است.

جدول شمارهٔ هشت- مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان در ارتباط با شرایط روحی و روانی

مضامین فرعی	مضمون اصلی
اظهار زنان مبنی بر ادامه‌دار بودن آسیب‌های روانی تا مدت‌ها پس از سیل	آسیب روانی و انزوای اجتماعی زنان پس از سیل
ابراز نگرانی زنان برای وقوع مجدد سیل پس از گذشت دو سال از سیل	
پناه بردن به‌تنهایی و انزوا برای تسکین درد ناشی از سیل و از دست دادن‌ها	
عدم تسکین و فراموش نکردن برخی آسیب‌های روانی تجربه‌شده از سوی زنان در طی وقوع سیل	
آسیب‌های روان‌تنی و همچنین عقب ماندن از تحصیل در دختران جوان	
اظهار زنان مبنی بر عدم درک ارزش کارهایی که انجام داده‌اند و احساس تبعیض و قدرناشناسی	
رضایت شخصی بسیار کم به دلیل عدم دریافت قدردانی از جامعه و خانواده	

یکی از زنان در این‌باره گفته است: «*از بعد اون سیل، وقتی بارون می‌زنه ما دیگه از دل‌شوره خواب نداریم، زنگ به این می‌زنیم زنگ به اون می‌زنیم ، ابر که میاد تو آسمون دیگه استرسه میاد*».

برخی از زنان اظهار داشته‌اند که برای تسکین درد ناشی از سیل، به‌تنهایی و انزوا پناه برده‌اند.

یکی از پاسخگویان که یک زن جوان ۳۵ ساله است، دراین‌باره گفته است: «*من بعد سیل افسرده شدم، هنوزم همین‌طورم همش دلم می‌خواد تو اتاق تنها باشم، کسی دورم نباشه، فقط کتاب بخونم از شلوغی بدم میاد، من دلم می‌خواد یه عالمه رمان داشته باشم فقط بشینم رمان بخونم* »

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در بیشتر موارد مصاحبه پس از گذشت دو سال، زنان برخی نگرانی‌ها و آسیب‌ها را فراموش نکرده‌اند؛ ازجمله مواردی که بسیاری از زنان مشارکت‌کنندهٔ پژوهش به آن اشاره ضمنی و یا مستقیم داشته‌اند، احساس تبعیض و قدرناشناسی از سوی خانواده و جامعه بوده است. مسئولیت‌های مراقبتی گسترده در سراسر چرخهٔ فاجعه بار کاری و عاطفی و مادی زنان را به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌دهد، ولی ازآنجاکه مرد، نان‌آور خانواده محسوب می‌شود، خانواده و جامعه عموماً ارزش زنان و نقش آن‌ها را به‌درستی درک نمی‌کنند. زنان محهٔ سعدی نیز علیرغم تحمل مشکلات زیاد، بیان داشته‌اند که خانواده و جامعه به‌اندازه کافی قدر زحمات آن‌ها را ندانسته است.

افزایش خشونت علیه زنان پس از سیل

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پس از سیل، زنان تلاش کرده‌اند که از مکانیسم‌های سازگاری مختلفی استفاده کنند، اما برخی از زنان گفته‌اند که برای اندک مطالباتی که پس از بحران داشته‌اند، با خشونت‌های زیادی از سوی همسران خود مواجه شده‌اند. در برخی موارد این خشونت‌ها منجر به طلاق و ازهم‌پاشیده شدن خانواده شده است.

جدول شمارهٔ نه- مضامین استخراجی از تجارب مشارکت‌کنندگان در ارتباط با تجربه خشونت

مضامین فرعی	مضمون اصلی
اظهار زنان مبنی بر مواجهه با خشونت همسران برای اندک مطالبات خود پس از بحران	افزایش خشونت علیه زنان پس از سیل
وجود خشونت‌های منجر به طلاق در برخی خانواده‌ها پس از وقوع سیل	
اظهار زنان مبنی بر مواجهه با اشکال جدید و شدیدی از خشونت از سوی همسران	
رنجش زنان از رفتار امداد گران در برخی موارد	

یکی از زنان مصاحبه‌شونده که خانه‌اش ۵۰ درصد تخریب‌شده بود، دراین‌باره گفته است: *«من و شوهرم قبل از سیل، اصلاً مشکلی نداشتیم، اما بعد سیل بی‌خیال بود، سقف خونه ریخته بود، پنجره‌ها ریخته بود، اهمیت نمی‌داد، منم عصبی شده بودم، خیلی دعوامون می‌شد، کتکم می‌زد فحش می‌داد. سرِکار هم نمی‌رفت می‌گفتم برو سرکار، می‌گفت من زندگی‌ام رفته، خدا بدبختم کرده کجا برم؟ منم تحمل نتونستم بکنم با یه دست لباسِ تنم از خونه زدم بیرون رفتم خونه بابام. الان دو سالی میشه که طلاق گرفتم. ٦ ماه بعد از سیل، موندم و تحمل کردم ولی بعدش جدا شدم، دو ساله که سمت سعدی نرفتم دیگه تا آخر عمر پامو تو سعدی نمی‌ذارم.»*

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به‌علاوه، موارد کمی نیز مشاهده‌شده است که زنان از رفتار امدادگران ناراحت شده‌اند اما در بیشتر موارد زنان، از نحوهٔ برخورد امدادگران و خیرین ابراز رضایت کرده‌اند.

ارائهٔ الگوی آسیب‌پذیری زنان در سیل سعدی شیراز و چگونگی ارتباط میان مضمون‌های اصلی و فرعی در قالب ارائهٔ جداول، صورت گرفت. بر اساس نتایج حاصل‌شده، مضمون‌های اصلی تعیین‌کنندهٔ آسیب‌پذیری زنان، شامل هشیاری و نگرانی بیشترِ زنان در مقابل هشدارها، محدودیت‌ها و مشکلات زنان در تخلیهٔ منازل قبل از سیل، انتظارات فراتر از توانِ زنان از سوی خانواده و جامعه، کاهش توان اقتصادی زنان پس از سیل، تداوم بحران برای زنان فقیر، ابتلای بیشتر زنان به سوءتغذیه و انواع بیماری‌ها پس از سیل، آسیب روانی و انزوای اجتماعی زنان پس از سیل و افزایش خشونت علیه زنان پس از سیل بوده است. در مدل زیر مؤلفه‌های آسیب‌پذیری زنان در سیل سعدی شیراز به‌صورت دیاگرام نشان داده شده است.



[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

نمودار شمارهٔ یک- مدل آسیب پذیری زنان در سیل محلهٔ سعدی شیراز

بحث و نتیجه‌گیری

سیل، ازجمله بلایای طبیعی است که از گذشته تاکنون، یک تهدید مهم برای زندگی بشر بوده و هست. در جوامع مختلف هنگام وقوع سیل، تعداد زیادی از مردم در شرایط آسیب‌پذیری قرار دارند که با عدم اتخاذ استراتژی‌های مناسب، این آسیب‌پذیری تشدید می‌شود. پاسخ به سیل در میان جوامع محلی مختلف متفاوت است و تأثیر محرک‌های آسیب‌پذیری، به‌طور قابل‌توجهی در هر زمینه و بافت متفاوت است. پژوهش حاضر، جنسیت را به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی آسیب‌پذیری در سیل سعدی شیراز شناسایی کرده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش زنان از نظر درک خطر سیل، نگرانی در مقابل هشدار و پاسخ، رفتارهای آمادگی، نحوه مواجهه و تأثیرات جسمانی و روانی و بهبود پس از سیل آسیب‌پذیر هستند و آسیب‌پذیری بیشتر زنان تا اندازه زیادی ناشی از برساخت‌های اجتماعی و فرهنگی است. بسیاری از این برساخت‌های جنسیتی هستند که نیازهای زنان را هنگام فاجعه نادیده می‌گیرند.

برخی پژوهش‌های پیشین انجام شده در این زمینه نشان داده‌اند که آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی را می‌توان به منزلهٔ امری برساختی و نتیجهٔ ساختارهای اجتماعی و نظام‌های معنایی آن دانست به‌طور مثال حبیب‌پورگتابی (۱۳۹۷) حوزه‌های مهم آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی در شهرهای گرگان و کرمان را علاوه بر فقدان امنیت، فقدان اشتغال، فقدان یا ضعف آموزش درزمینهٔ سوانح طبیعی، مشکلات فرهنگی و انگاره‌های تفکر سنتی مردان در خصوص زنان و باور نداشتن به مشارکت زنان در سوانح را شناسایی کرده است. همچنین دوب و ممبوه (۲۰۱۹) نیز در پژوهشی در باب آسیب پذیری زنان میزان و چگونگی تأثیرگذاری یک بلای طبیعی مانند سیل را بیشتر ناشی از عوامل فرهنگی تشخیص داده‌اند. برخی پژوهش های دیگر نیز توجه خود را به مسائل و مشکلات دیگر زنان معطوف نموده و در این راستا راهبردهایی برای کاهش آسیب‌پذیری ارائه داده‌اند به طور مثال جهانگیری و صدیقی (۱۳۹۰) به مسائل و مشکلاتی همچون حضور کمرنگ زنان، به‌خصوص در سازمان‌های دولتی مسئول، عدم وجود ارزیابی مدون در خصوص نیازهای زنان، وجود خلأهای قانونی، عدم تخصیص اعتبار به امور مربوط به بانوان در مدیریت بحران، توجه داشته‌اند. همچنین ساییتو (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی وضعیت زنان و مسائل جنسیتی پس از زمین‌لرزه و سونامی در شرق ژاپن پرداخته است این پژوهش نشان داده است که یک الگوی تکراری درزمینهٔ مسئله جنیست در بلایای طبیعی در ژاپن وجود دارد و آن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ناتوانی دولت در ادغام رویکرد جنسیتی در برنامه‌ریزی و واکنش‌های اضطراری به بلایای طبیعی است و این امر را نشانگر تداوم نابرابری جنسیتی در ژاپن می‌بینند.

به‌طور کلی می توان گفت که همه پژوهش های انجام شده در این زمینه میزان آسیب‌پذیری زنان در بلایای طبیعی را بیشتر از مردان تشخیص داده‌اند. با توجه به اینکه پرداختن به آسیب‌پذیری اجتماعی در برابر خطر بلایا، نیازمند ایجاد ظرفیت‌ها است که خود، به‌طور مؤثر، موجب مقابلهٔ بهتر با خطرات می‌شود. توجه به ظرفیت‌سازی برای زنان از پیشنهادات مهم این پژوهش است. ظرفیت‌سازی شامل فعالیت‌هایی است که به زنان کمک می‌کند تا تأثیر بلایا را کاهش دهند یا بتوانند به‌طور مؤثر، در مواجهه با بلایا واکنش نشان دهند. از این‌رو بر اساس یافته‌های این پژوهش، اگر قرار است تأثیر بلایای طبیعی کاهش یابد، در گام نخست باید بر بهبود رفاه مادی زنان و خانواده‌های آن‌ها تأکید شود. ایجاد اشتغال و تنوع‌بخشی به معیشت، می‌تواند تأثیر بسزایی در بهبود شرایط اجتماعی–اقتصادی زنان و مواجهه بهتر آنان با بلایای طبیعی داشته باشد. بنابراین سیاست‌های اقتصادی و قوانین مربوط به بلایا باید به نابرابری‌های اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر مدیریت خطر بلایا، ازجمله آمادگی و پاسخ، توجه ویژه نشان دهد.

همچنین با توجه به اینکه کانون توجه در مدیریت فاجعه، باید جامعهٔ محلی باشد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، لازم است که فعالیت‌های مدیریت فاجعه در مرحلهٔ بازیابی بر توانمندسازی زنان متمرکز شود. از این‌رو توجه به شیوه‌های توانمندسازی زنان در دوران پس از فاجعه، مهم و مورد تأکید پژوهش حاضر است. زنان باید به نحوی توانمند شوند که بتوانند دربارهٔ حقوق، مالکیت، امرارمعاش و دسترسی به منابع سخن بگویند و بدین‌سان صدای خود را به گوش مسئولان و جامعه برسانند. اگر زنان نتوانند نیازها و دیدگاه‌های خود را بیان کنند، سازمان‌های مردم‌نهاد و دولتی هم نمی‌توانند به آن‌ها کمک کرده و زمینه توانمندسازی آن‌ها را فراهم آورند. پس در راستای توانمندسازی زنان، اولین نکته این است که زنان باید بتوانند از مشکلات و نیازمندی‌ها و خواسته‌های خود سخن بگویند و بدین‌سان نظر خود را اعلام دارند. این موضوع به‌ویژه در مورد مناطق محروم باید مورد تأکید بیشتری قرار گیرد. این نحوهٔ عملکرد، فرصت‌های بیشتری را در اختیار زنان قرار می‌دهد که بهتر بتوانند ظرفیت‌های خود را بازسازی کنند. ازاین‌رو، ضمن صورت‌بندی و ارائهٔ چارچوب‌هایی برای حمایت از توانمندسازی زنان، کارشناسان باید واقعیت‌های محلی و بومی مانند ارزش‌ها، باورها و رسوم محلی را مدنظر قرار دهند و سعی کنند در سطح اجتماعات محلی فعالیت کنند تا از نزدیک با زنان تعامل داشته باشند و بهتر بتوانند در جهت توانمندسازی آنان عمل کنند. در این راستا لازم است که برنامه‌ریزان در تهیهٔ راهبردها به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

انگاره‌های فرهنگی در سطح محلی توجه کنند و برای هر منطقه‌ای، راهبرد مناسب را انتخاب و اجرا کنند.

منابع

۱. استوار ایزدخواه، یاسمین (۱۳۸۹) «زنان و بلایای طبیعی: آسیب‌پذیر در سوانح یا توانمند در مدیریت بحران»، **امداد و نجات**، (۲) ۱:۲-۸.

۲. حبیب‌پورگتابی، کرم(۱۳۹۷) «آسیب‌پذیری زنان در سوانح طبیعی: یک برساختهٔ اجتماعی»، **زن در توسعه و سیاست**، (۳)۱٦: ٤٧٥-٤٨١.

۳. جهانگیری، کتایون و ژیلا صدیقی (۱۳۹۰) «تحلیل علل آسیب‌پذیری سلامت زنان در بلایا و راهبردهایی برای کاهش آن؛ یک مطالعهٔ کیفی»، **امداد و نجات**، دورهٔ ۳، شمارهٔ ۱-۲: ٦٠-٦٦.

٤. سلطانی‌نژاد، امیر و ادیبه برشان (۱۳۹۷) «بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی زنان در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله های ورزقان و اهر»، **مدیریت بحران**، دورهٔ هفتم، شمارهٔ ۱: ۹۹-۱۰۸.

۵. کمال‌الدینی، معصومه(۱۳۹۹) **جامعه‌شناسی فاجعه: مروری بر نظریه‌های اجتماعی فجایع طبیعی**. تهران: اندیشه احسان.

٦. کمال‌الدینی، معصومه و مصطفی ازکیا (۱۳۹۵) «مطالعهٔ پدیدهٔ ازدواج اجباری زنان در فجایع طبیعی (پیامدهای اجتماعی فاجعه در زنان بازماندهٔ زلزله ۱۳۸۲ بم)»، **نامهٔ انسان‌شناسی**، دورهٔ۱٤، شمارهٔ ۲۵: ۱٦۹-۲۰۲.

7. Austin, K.F., McKinney, L.A (2016) «Disaster Devastation in Poor Nations: The Direct and Indirect Effects of Gender Equality, Ecological Losses, and Development» **Social Forces**, 95(1): (pp: 395-380).

8. Banford, A., Froude, C. K. (2015) «Ecofeminism and Natural Disasters: Sri Lankan Women Post-Tsunami», **Journal of International Women's Studies**, 16(2): (pp: 170-187).

9. Blaikie, P. M. (1994) **At Risk: Natural Hazards, People's Vulnerability, and Disasters.** London: Routledge, (pp: 50).

10. Boyatzis, R. E. (1998). **Transforming qualitative information: thematic analysis andcode development,** London: Sage.

11. Braun, V. & Clarke, V. (2006) **Using thematic analysis in psychology**. Qualitative Research in Psychology, 3, 77-101.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

12. Cerda´, M., Paczkowski, M., Galea, S., Nemethy, K., Claude, Pe´an C., & Desvarieux, M. (2013) «Psychopathology in the aftermath of the Haiti Earthquake: A population-based study of posttraumatic stress disorder and major depression». **Depression and Anxiety**, 30(5): 413–424.

13. Duane, A. Gill. (2007) «**Secondary Trauma or Secondary Disaster? Insights from Hurricane Katrina**. **Mississippi State University press»**: (pp: 613-632).

14. Dube, E., Mhembwe, S. (2019) «**Heightening gender considerations for women in flood disaster response through resource allocation and distribution in Zimbabwe».** International Journal of Disaster Risk Reduction: 40 (101281): 1-10.

15. Enarson, E., Chakrabarti.D. (2009) **Women, Gender and Disaster: Global Issues and Initiatives, India**: Sage.

16. Fordham, M. (2004) **Gendering vulnerability analysis: Towards a more nuanced approach.** London: Earthscan.

17. Fothergill, A. (1996) «Gender, risk and disaster**», International Journal of Mass Emergencies and Disasters**, 14 (1): 33-56.

18. Fumie Saito, F. (2012) «Women and the 2011 East Japan Disaster**»**, **Gender & Development**, 20:2: 265-279.

19. Harville, E. W., Xiong, X., Smith, B. W., Pridjian, G., Elkind-Hirsch, K., & Buekens, P. (2011) «Combined effects of Hurricane Katrina and Hurricane Gustav on the mental health of mothers of small children», **Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing**, 18(4): 288–296.

20. Islam, Md.S, Lim, S.H. (2015) «When Nature Strikes: A Sociology of Climate Change and Disaster Vulnerabilities in Asia», **Nature and Culture**, 10(1), 57-80.

21. Izquierdo, E. (2015) **A Gender Approach to Vulnerability and Natural Disasters, Graduate Center**, City University of New York.

22. King, N., Horrocks, C. (2010) **Interviews in qualitative research**, London: Sage.

23. Perry, R.W. (2007) «What is a disaster? In H. Rodriguez, E.L. Quarantelli & R.R. Dynes (Eds.) »**, Handbook of Disaster Research**. New York: Springer, (pp: 1-15).

24. Quarantelli, L. Eenrice (1994) «The consequences of the historical use of a sociological approach in the development of research». **International journal of mass emergencies and disasters**, 12.

25. Sipon, S., Nasrah, S., Nazli, N. N., Abdullah, S., & Othman, K. (2014) «Stress and religious coping among flood victims». **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 140: 605–608.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

26. Tierney, K., Oliver, S, A. (2012) **Social Dimensions of Disaster Recovery**». International Journal of Mass Emergencies and Disasters, 30(2), 123-146.

27. Wisner, B., Blaikie, P., & Cannon, T., &Davis.I. (2003) **At Risk: Natural Hazards, People's Vulnerability and Disasters**. London: Routledge.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]